

بررسی تاثیر سیستم مالیاتی پیچیده بر تمایل شرکت ها به فرار مالیاتی در سراسر کشورها

حمیده دهنوی^۱

جعفر شیخیان عزیزی^۲

سعیده دهنوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر تمایل شرکت ها به فرار مالیاتی در مقیاس بین‌المللی پرداخته است. برای این منظور، داده‌های بیش از ۴۶۰۰۰ شرکت از ۸۳ کشور مختلف که از پایگاه‌های معتبر بانک جهانی (WBES و WBDB) استخراج شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که افزایش پیچیدگی مالیاتی، شامل افزایش زمان مورد نیاز برای پرداخت مالیات و تعداد پرداخت‌های مالیاتی، تأثیر قابل توجهی بر افزایش هزینه‌های مالیاتی دارد. این امر نه تنها فشار مالی بیشتری را بر شرکت‌ها تحمیل می‌کند، بلکه کاهش شفافیت نظام مالیاتی را به دنبال دارد و در نتیجه، انگیزه فرار مالیاتی شرکت‌ها را تقویت می‌کند. تأثیر این متغیرها در کشورهایی با درآمد پایین و متوسط-پایین و صنایع اولیه برجسته‌تر است که نشان‌دهنده اهمیت اصلاح ساختار مالیاتی در این کشورهاست. علاوه بر این، پژوهش نشان می‌دهد که فرار مالیاتی از دو مسیر اتفاق می‌افتد: نخست، کاهش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی که موجب کاهش رعایت داوطلبانه مالیاتی می‌شود و دوم، تضعیف اجرای قوانین مالیاتی که موجب افزایش موارد فرار مالیاتی می‌شود. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی پویا در نرم‌افزار ونسیم انجام شده است که امکان بررسی تعاملات میان متغیرها را فراهم کرده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران با بهینه‌سازی قوانین مالیاتی و ساده‌سازی فرآیندهای پرداخت مالیات، میزان رعایت مالیاتی را افزایش داده و فرصت‌های فرار مالیاتی را کاهش دهند. یافته‌های این پژوهش می‌توانند مبنای طراحی سیاست‌های مالیاتی آینده باشند و به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک کنند.

واژگان کلیدی

پیچیدگی مالیاتی، فرار مالیاتی، قوانین مالیاتی، شرکت‌ها، هزینه‌های مالیاتی، تحلیل اقتصادسنجی

۱- گروه حسابداری و مالی، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران. hamidehdehnavi@gmail.com

۲- استاد دانشگاه گروه حسابداری و مالی، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران.

۳- گروه حسابداری و مالی، دانشگاه آزاد واحد تهران غرب، تهران، ایران.

۱- مقدمه

فرار مالیاتی شرکت‌ها یکی از مسائل حیاتی و چالش‌برانگیز در مدیریت نظام‌های مالیاتی در سراسر جهان به شمار می‌آید (آلفارو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). شرکت‌ها از دیرباز یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها بوده‌اند؛ با این حال، تناقضی اساسی وجود دارد، چرا که همین شرکت‌ها در بخش قابل توجهی از موارد فرار مالیاتی نیز نقش پررنگی ایفا می‌کنند. این موضوع، پیچیدگی‌های خاصی در تعامل دولت‌ها و شرکت‌ها برای تأمین منابع مالی پایدار ایجاد کرده است (آلم^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

۲- بیان مسئله

هم‌زمان با پیچیده‌تر شدن کسب‌وکارها و جهانی شدن بازارها، رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها نیز پیچیده‌تر شده است. این امر به‌ویژه پس از بحران مالی جهانی و رکود اقتصادی عظیم، توجه بیشتری را از سوی پژوهشگران و سیاست‌گذاران به خود جلب کرده است. فرار مالیاتی نه تنها ظرفیت دولت‌ها را برای ارائه کالاهای عمومی و توسعه اقتصادی کاهش می‌دهد، بلکه منجر به ایجاد عدم تعادل در بار مالیاتی میان شرکت‌های متخلف و شرکت‌های پایبند به قوانین می‌شود (باریوس^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). به عنوان مثال، گروهی از شرکت‌ها که از رعایت قوانین مالیاتی سر باز می‌زنند، موجب می‌شوند که سایر شرکت‌ها بار مالیاتی بیشتری را متحمل شوند که این وضعیت خود انگیزه برای فرار مالیاتی را تقویت می‌کند (برگلو^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

جنبه‌های مجهول و مبهم در این حوزه شامل تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر رفتار شرکت‌ها در مقیاس بین‌المللی است. در حالی که پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر پیچیدگی قوانین مالیاتی بر رفتارهای مالیاتی افراد پرداخته‌اند، تعداد محدودی از مطالعات به سطح شرکت‌ها و بررسی رفتار آن‌ها در ابعاد فراملی توجه داشته‌اند. این کمبود اطلاعات به‌ویژه در مورد تأثیر متغیرهایی مانند زمان و تعداد پرداخت مالیات در پیچیدگی سیستم مالیاتی، نیاز به تحقیقات گسترده‌تر و عمیق‌تر را نشان می‌دهد.

هدف اصلی این تحقیق، پاسخ به این سؤال کلیدی است که آیا پیچیدگی سیستم مالیاتی موجب افزایش تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی در مقیاس بین‌المللی می‌شود یا خیر. این تحقیق تلاش دارد تا با استفاده از داده‌های گسترده بانک جهانی (شامل پایگاه‌های داده نظرسنجی شرکت‌ها و شاخص کسب‌وکار)، جنبه‌های مختلف این مسئله را بررسی کند. در این مطالعه، فرار مالیاتی شرکت‌ها از طریق دو متغیر متمایز (شامل نسبت مالیاتی و متغیر دودویی) اندازه‌گیری شده است. همچنین، پیچیدگی سیستم مالیاتی از طریق متغیرهایی نظیر زمان و پرداخت مالیات سنجیده شده است.

در این پژوهش، علاوه بر تحلیل تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی، بار مالیاتی و عوامل نهادی، به شناسایی موارد دیگری چون وابستگی‌های مکانی و تأثیر تفاوت‌های صنعتی و درآمدی کشورها نیز پرداخته شده است. استفاده از رویکردهای اقتصادسنجی نوین، شامل مدل‌های متغیر ابزاری برای کاهش مسائل ابهام‌آفرین، نظیر متغیرهای حذف‌شده یا هم‌زمانی، از دیگر نقاط قوت این تحقیق است. پیچیدگی سیستم مالیاتی به عنوان یکی از عوامل کلیدی تحقیق، متغیرهایی نظیر زمان مورد نیاز برای محاسبات مالیاتی و تعداد پرداخت‌های مالیاتی را شامل می‌شود. این مؤلفه نمایانگر سطح دشواری و

¹ Alfaro

² Allam

³ Barrios

⁴ Bergolo

چالش های اجرایی مرتبط با رعایت قوانین مالیاتی توسط شرکت ها است. تمایل به فرار مالیاتی متغیر دیگری است که از طریق نسبت مالیاتی و متغیرهای دودویی اندازه گیری شده است. این متغیر نشان دهنده رفتارهای شرکت ها در رابطه با پایبندی به قوانین مالیاتی و تلاش های آن ها برای اجتناب از پرداخت مالیات است (برکل^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). عوامل کلان اقتصادی نیز بخش دیگری از متغیرهای این تحقیق را تشکیل می دهند. این عوامل شامل نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و سطح درآمدی کشورها بوده و بر رفتار مالیاتی شرکت ها تأثیرگذار هستند. در نهایت، عوامل دموگرافیک و نهادی مانند کیفیت حکمرانی و فرهنگ مالیاتی نیز به عنوان متغیرهای مرتبط در این مطالعه بررسی شده اند. این متغیرها نشان دهنده زمینه ها و شرایط نهادی و اجتماعی هستند که می توانند بر رفتار مالیاتی شرکت ها تأثیر بگذارند. این تحقیق با هدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات علمی و پاسخ به سؤالاتی که تاکنون بدون پاسخ مانده اند طراحی شده است. به طور مشخص، این مطالعه تلاش دارد نشان دهد چگونه پیچیدگی در قوانین مالیاتی می تواند رفتار شرکت ها را تغییر دهد و انگیزه های آن ها را برای فرار مالیاتی افزایش دهد. یافته های این پژوهش نه تنها می تواند برای درک بهتر این پدیده مورد استفاده قرار گیرد، بلکه می تواند به سیاست گذاران کمک کند تا راهکارهایی عملی برای ساده سازی سیستم مالیاتی و کاهش موارد فرار مالیاتی ارائه دهند.

موضوع فرار مالیاتی شرکت ها و تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر آن، از جنبه های نظری و عملی، اهمیت فراوانی دارد. در حوزه نظری، مطالعات کنونی تا حد زیادی بر رفتار مالیاتی افراد متمرکز بوده اند و تحقیقات در سطح شرکت ها، به ویژه در مقیاس فراملی، بسیار محدود است. این کمبود پژوهش در حالی وجود دارد که بسیاری از کشورها با مشکل گسترده فرار مالیاتی مواجه هستند و پیچیدگی سیستم مالیاتی، نقش کلیدی در این مسئله ایفا می کند. بررسی این پدیده در چارچوب های گسترده تر می تواند به روشن تر شدن ابعاد نظری و پر کردن خلأهای تحقیقاتی در این زمینه کمک کند. اختلاف نظرهای علمی در این حوزه، از جمله تفاوت های دیدگاهی در مورد میزان تأثیرگذاری عوامل نهادی، اقتصادی و دموگرافیک بر فرار مالیاتی، اهمیت موضوع را دوچندان می کند. این تحقیق تلاش دارد تا به این اختلاف نظرها پاسخ داده و بینش بهتری نسبت به رابطه میان پیچیدگی قوانین مالیاتی و تمایل شرکت ها به فرار مالیاتی ارائه دهد. از دیدگاه عملی، این پژوهش می تواند فواید متعددی برای سیاست گذاران مالیاتی و مدیران اجرایی به همراه داشته باشد. درک بهتر از عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می تواند به طراحی سیستم های مالیاتی ساده تر و مؤثرتر منجر شود که هم زمان میزان رعایت قوانین را افزایش داده و انگیزه های فرار مالیاتی را کاهش دهد. علاوه بر این، نتایج این تحقیق می تواند به کاهش شکاف ناعادلانه در بار مالیاتی بین شرکت های متخلف و پایبند کمک کرده و در نهایت منجر به بهبود اعتماد عمومی به نظام مالیاتی شود. این تحقیق از مواد و روش های نوین، نظیر استفاده از داده های گسترده بانک جهانی و رویکردهای اقتصادسنجی پیشرفته، بهره می برد. همچنین، تحلیل های اضافی نظیر بررسی تفاوت های درآمدی کشورها، وابستگی های مکانی و تفاوت های صنعتی، به تقویت صحت و جامعیت یافته ها کمک می کند. این پژوهش با ارائه بینش های نظری و عملی، گامی نوآورانه در مسیر مقابله با چالش فرار مالیاتی برداشته و به ارتقای دانش علمی و بهبود سیاست های عمومی کمک خواهد کرد.

⁵ Berkel

۳- مبانی نظری

موجی از تحقیقات دانشگاهی در مورد فرار مالیاتی به شدت گسترش یافته است که شاید نخستین بار با ظهور مدل بازدارندگی پیشگامانه فرار مالیاتی که توسط آلینگهام و سندمو (۱۹۷۲) معرفی شد، تحریک شده باشد. این مدل از مدل اقتصاد جرم بکر (۱۹۶۸) الهام گرفته است. در این چارچوب مفهومی، مالیات دهندگان که دارای ویژگی ریسک‌گریزی هستند، با وظیفه پیچیده تعیین میزان مشارکت خود در فرار مالیاتی روبرو هستند. به‌طور جبری، این مدل تصمیم‌گیری در مورد فرار مالیاتی را به‌عنوان تابعی از نرخ مالیات و شدت اجرای قوانین، از جمله میزان حساسی و احتمال اعمال جریمه در نظر می‌گیرد. مدل آلینگهام و سندمو (۱۹۷۲) تقریباً در تمامی مطالعاتی که جنبه‌های سیاست‌گذاری مرتبط با فرار مالیاتی را بررسی می‌کنند، مورد استفاده قرار گرفته است، به‌ویژه در ارزیابی تأثیر فراوانی حساسی و نرخ‌های جریمه بر رفتار فرار مالیاتی. نتایج این مطالعات عموماً تأیید می‌کنند که بهبود متغیرهای اجرایی ذکر شده باعث کاهش تصمیمات مرتبط با فرار مالیاتی می‌شود، هرچند که میزان تأثیر آن همچنان نامشخص است (برگلو و همکاران، ۲۰۲۳).

همان‌طور که سلمرود^۶ (۲۰۱۹)، اشاره می‌کند، موفقیت مکانیسم‌های اجرایی اولیه پیشنهادشده در مدل بازدارندگی فرار مالیاتی (یعنی حساسی و جریمه) ممکن است ارتباط نزدیکی با سادگی رژیم مالیاتی داشته باشد. قوانین مالیاتی نامفهوم و مبهم اجرای سلیقه‌ای را ایجاد می‌کنند که اصول قانون اساسی خود قوانین را نقض می‌کند (کالفورد و همکاران، ۲۰۲۳). برخی موارد عدم انطباق ممکن است کشف نشود یا گزارش نشود، در حالی که برخی گزارش‌هایی که مطابق مقررات در نظر گرفته شده‌اند، ممکن است رد شده و مشمول جریمه شوند. این استدلال تا حدی توسط یک آزمایش واقعی، همان‌طور که در تانزی^۷ (۲۰۱۸) اشاره شده است، تأیید می‌شود، جایی که درخواست‌های راهنمایی در مورد نحوه رسیدگی به مسائل خاص مالیاتی که به ادارات مالیاتی مختلف در یک نهاد مالیاتی یکسان ارسال شده بودند، پاسخ‌های بسیار متفاوتی دریافت کردند. این مشکل اجرای پراکنده دوباره نشان می‌دهد که مقامات مالیاتی هرگز نمی‌توانند از خطر بالقوه از دست دادن درآمد مالیاتی فرار کنند. علاوه بر این، همان‌طور که در چارچوب "سطح شیب‌دار" کریچلر^۸ و همکاران، ۲۰۰۸ بیان شده است، تصمیمات فرار مالیاتی بسیار پیچیده‌تر از صرفاً محاسبات مالیات دهندگان در مورد هزینه‌های مشخص آن است و شامل اعتماد آن‌ها به صلاحیت مقامات در مدیریت این مسائل نیز می‌شود. در این مورد، مالیات دهندگان غالباً تمایلی به فرض مشروعیت سیستم مالیاتی موجود دارند، بدون آنکه لزوماً به امکان فرار مالیاتی بیندیشند. با این حال، پیچیدگی رژیم مالیاتی می‌تواند اعتماد مالیات دهندگان را به صلاحیت و یکپارچگی مقامات مالیاتی تضعیف کند (کریچلر و همکاران، ۲۰۰۸).

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در برخورد با مقررات مالیاتی، مالیات دهندگان اغلب از مشاوران مالیاتی کمک می‌گیرند (فورکنال-هوکست^۹، ۲۰۲۳). این مشاوران مالیاتی که دارای دانش و تخصص ویژه‌ای در قوانین مالیاتی هستند، نقش دوگانه‌ای به‌عنوان هم «استفاده‌کننده» و هم «اجرا دهنده» مقررات مالیاتی ایفا می‌کنند. هزلدین^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۱) بیان

^۶ Slemrod

^۷ Tanzi

^۸ Kirchler

^۹ Frecknall-Hughes

^{۱۰} Hasseldine

می کنند که در شرایطی که مالیات ها کمتر پیچیده هستند، مشاوران مالیاتی بیشتر تمایل دارند تا با غلبه بر موانع اطلاعاتی و محاسباتی که معمولاً مانع از رعایت مالیاتی می شوند، انطباق را تضمین کنند.

در مقابل، هنگامی که متخصصان مالیات با یک سیستم مالیاتی بسیار پیچیده روبرو می شوند که در آن ابهامات قوانین مالیاتی رایج است، آن ها اغلب مشتریان خود را برای بهره برداری از فرصت های عدم انطباق مالیاتی راهنمایی می کنند. مالیات دهندگان معمولاً این پیشنهاد را بیشتر از مشاوران مالیاتی تهاجمی دریافت می کنند که شبکه های خوبی دارند و می دانند در آن زمان چه مشکلاتی مورد توجه مقامات مالیاتی قرار گرفته است. مشاوران مالیاتی تهاجمی عموماً با مأموران مالیاتی همکاری می کنند تا کار خود را آسان تر کنند. مأموران مالیاتی که چنین فرایندی را «تسهیل» می کنند، به دنبال کسب منفعت شخصی از طریق دریافت «هزینه ها» هستند که این امر باعث افزایش فساد مالیاتی می شود. افزایش فرصت های عدم انطباق که توسط مشاوران مالیاتی تهاجمی ارائه می شود و اعمال فساد توسط مأموران مالیاتی می تواند پیامدهای مهمی برای نابرابری مالیاتی ایجاد کند که اعتماد عمومی را تضعیف کرده و در نهایت رفتار انطباقی را کاهش می دهد.

پیش بینی های نظری فوق اطمینان می دهند که یک سیستم مالیاتی پیچیده از طریق دو کانال مهم فرار مالیاتی را افزایش می دهد: تضعیف اجرای قوانین و نابودی اعتماد عمومی. همان طور که در «چارچوب سطح شیب دار» بیان شده است، کانال اول باعث کاهش انطباق اجباری مالیاتی و کانال دوم موجب کاهش انطباق داوطلبانه مالیاتی می شود. مطالعات تجربی اخیر عمدتاً این پیش بینی های نظری را تأیید می کنند. برای مثال، بلمار^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۹) شواهدی از یک آزمایش آزمایشگاهی در آلمان ارائه می دهند که در شرایط مالیاتی پیچیده، افراد اغلب خطاهای ناخواسته در ثبت مالیاتی را به عنوان بهانه ای برای عدم انطباق در نظر می گیرند. علاوه بر این، یک مطالعه تجربی که توسط بلس^{۱۲} (۲۰۲۳) در آلمان انجام شده است، این یافته ها را تأیید می کند و نتیجه می گیرد که عدم انطباق مالیاتی فردی ناشی از مقررات مالیاتی پیچیده در جامعه حمایت می شود. این یافته ها همچنین با نظریه سوگیری حذف همخوانی دارند، جایی که افراد خطاهای ناشی از غفلت را کمتر از خطاهای ناشی از اقدام در موقعیت هایی با نتایج مشابه می دانند. شواهد دیگر از کائولو^{۱۳} (۲۰۲۲) حاصل شده است که با استفاده از داده های مالیات دهندگان فردی در زامبیا نتیجه می گیرد که خودخواهی فردی رابطه بین پیچیدگی مالیاتی و فرار مالیاتی را تقویت می کند.

۴- پیشینه پژوهش

خلفی و الماسی (۱۴۰۲) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان نقش حسابداران در فرار مالیاتی و دو دفتره شدن حسابداری شرکت ها به بررسی عواملی که بر فرار مالیاتی در ایران تأثیر گذار هستند پرداخته اند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که عواملی نظیر قوانین مالیاتی پیچیده، فساد اداری، مالیات های سنگین و رفتارهای مدیریتی، در کنار بی توجهی به نقش مالیات در اقتصاد کشور، از دلایل اصلی فرار مالیاتی هستند.

ایزدی لای بیدی (۱۴۰۲) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان بررسی روش های فرار و اجتناب مالیاتی شرکت ها و قوانین و مقررات مربوط به آن پرداختند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که بسیاری از شرکت ها با استفاده از انتقال سود به

¹¹ Bellemare

¹² Blesse

¹³ Kaulu

مناطق با مالیات کم و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات بین شرکت‌های وابسته، از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند. همچنین، عدم آگاهی از قوانین مالیاتی یکی از عوامل اصلی پرداخت جریمه‌های سنگین توسط شرکت‌ها است. کمی (۱۴۰۲) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان بررسی بین ساختار سرمایه شرکت‌ها و فرار مالیاتی پرداخت. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که بین نسبت سرمایه‌گذاری نهادی و فرار مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین، رابطه معناداری میان نوسانات سود و فرار مالیاتی و همچنین میان نسبت سود پرداختی به سرمایه‌گذاری نهادی و فرار مالیاتی مشاهده شد.

پایدارمنش و همکاران (۱۴۰۱) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان کنش انگیزه و فرصت برنامه‌ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بحران مالی در شرکت‌ها موجب افزایش فرار مالیاتی در دوره‌های بعد می‌شود و فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای بحران مالی هستند، وجود ندارد. همچنین، ارتباط معناداری میان محدودیت‌های مالی و فرار مالیاتی شرکت‌ها مشاهده شد.

بیگی و همکاران (۱۴۰۱) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان بررسی عوامل تأثیرگذار (نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم) بر فرار مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان دادند که میان اجتناب از پرداخت مالیات و عوامل نظیر نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم رابطه معناداری وجود دارد.

سوروگیو^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۵) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان تحلیل الگوی رعایت مالیاتی: یک رویکرد مبتنی بر نظرسنجی که با روش نظرسنجی آنلاین و استفاده از مدل رگرسیون لجستیک انجام شد پرداخته‌اند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که افراد زمانی به تعهدات مالیاتی پایبند هستند که احساس کنند پرداخت مالیات به بهبود خدمات عمومی کمک می‌کند و سیستم مالیاتی مطابق با ترجیحات آن‌ها است. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که سطح تحصیلات بالاتر با کاهش رعایت مالیاتی مرتبط بوده و این امر نیازمند مداخلات هدفمند و کمپین‌های آموزشی است.

آندریوسکا و گلووا^{۱۵} (۲۰۲۵) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان تعیین‌کننده‌های کلان اقتصادی نرخ‌های موثر مالیات شرکتی: مورد جمهوری اسلواکی که با روش مدل رگرسیون پانلی انجام شد به بررسی جامعه آماری شامل داده‌های مربوط به کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۲ پرداختند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که نرخ‌های اسمی مالیات، نرخ بیکاری و بدهی دولت با نرخ‌های موثر مالیات شرکتی ارتباط معناداری دارند. علاوه بر این، روند کاهش تدریجی در نرخ‌های مالیات اسمی و موثر در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا مشاهده شد، درحالی‌که اسلواکی به دلیل نرخ‌های موثر مالیاتی پایین‌تر نسبت به اعضای قدیمی‌تر اتحادیه، رقابت‌پذیری مالی خود را حفظ کرده است.

تونوتو^{۱۶} و همکاران (۲۰۲۴) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان فرار مالیاتی و بقای شرکت: یک مطالعه موردی در برزیل که با روش برآورد کاپلان-مایر و مدل رگرسیون کاکس انجام شد به بررسی جامعه آماری شامل ۱۱،۲۹۷ شرکت

¹⁴ Surugiu

¹⁵ Andrejovská And Glova

¹⁶ Tonetto

تأسیس شده در سال ۲۰۱۷ در ریودوگراندا دوسول، برزیل پرداختند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که شرکت‌هایی که بابت فرار مالیاتی جریمه شده‌اند، نرخ بقای بالاتری (۶۹٪) نسبت به شرکت‌های بدون جریمه (۳۸٪) تا سال ۲۰۲۳ داشته‌اند. این نتایج نشان داد که جریمه‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری اصلاحی عمل کرده و به شرکت‌ها برای تنظیم مجدد رفتار مالیاتی و بهبود بقا کمک کنند.

جیسوس^{۱۷} و همکاران (۲۰۲۴) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان پویایی‌های مالیات بر درآمد شرکتی: تحلیلی مقایسه‌ای از پرتغال، آلمان، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ که با روش تحلیل اسناد و با استفاده از نظریه نهادی انجام شد، به بررسی سیستم‌های مالیات بر درآمد شرکتی در پنج کشور منتخب اتحادیه اروپا پرداختند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت‌های قابل توجهی میان چارچوب‌های مالیات بر درآمد فردی (IIT) و مالیات بر درآمد شرکتی (CIT) در کشورهای مذکور وجود دارد که این تفاوت‌ها بر رقابت‌پذیری مالیاتی و مسیرهای توسعه اقتصادی تأثیرگذار هستند.

سابتونو^{۱۸} و همکاران (۲۰۲۴) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی در سراسر کشورها که با روش تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پایگاه‌های بانک جهانی، نظیر نظرسنجی شرکت‌ها (WBES) و پایگاه داده کسب‌وکار (WBDB)، انجام شد به بررسی جامعه آماری شامل بیش از ۴۶,۰۰۰ شرکت از ۸۳ کشور پرداختند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که افزایش زمان مورد نیاز برای پرداخت مالیات و تعداد پرداخت‌های مالیاتی با میزان و وقوع بیشتر فرار مالیاتی در شرکت‌ها ارتباط دارد. این اثرات در کشورهایی با درآمد پایین و متوسط-پایین و در صنایع اولیه بیشتر برجسته بود.

پالکا و ویتزیچ^{۱۹} (۲۰۲۳) با توجه به بررسی پژوهشی با عنوان چالش رعایت مالیاتی از طریق تیپ‌شناسی مالیات‌دهندگان که با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل خوشه‌ای انجام شد به بررسی جامعه آماری شامل تیپ‌های مختلف مالیات‌دهندگان پرداخته‌اند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان دادند که شش عامل اصلی بر رعایت مالیاتی مالیات‌دهندگان تأثیرگذار هستند و چهار گروه متمایز از مالیات‌دهندگان شناسایی شدند که هر گروه ویژگی‌های متفاوتی داشت. این تحقیق بر ضرورت طراحی استراتژی‌هایی توسط سیاست‌گذاران تأکید دارد که بتواند با کمترین هزینه، رعایت داوطلبانه مالیاتی را تحریک کند.

بنابراین، برای بررسی پژوهش، فرضیات زیر بررسی خواهند شد که به صورت فرضیه‌های جایگزین ارائه می‌شوند:

فرضیه اصلی: سیستم مالیاتی پیچیده بر تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی در سراسر کشورها تأثیر دارد.

فرضیات فرعی

- سیستم پیچیدگی قوانین مالیاتی بر افزایش هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها تأثیر دارد.

- سیستم پیچیدگی قوانین مالیاتی بر تشویق به فرار مالیاتی تأثیر دارد.

- سیستم پیچیدگی قوانین مالیاتی بر انگیزه فرار مالیاتی شرکت‌ها تأثیر دارد.

۵- روش بررسی

¹⁷ Jesus

¹⁸ Saptono

¹⁹ Paleka And Vitezić

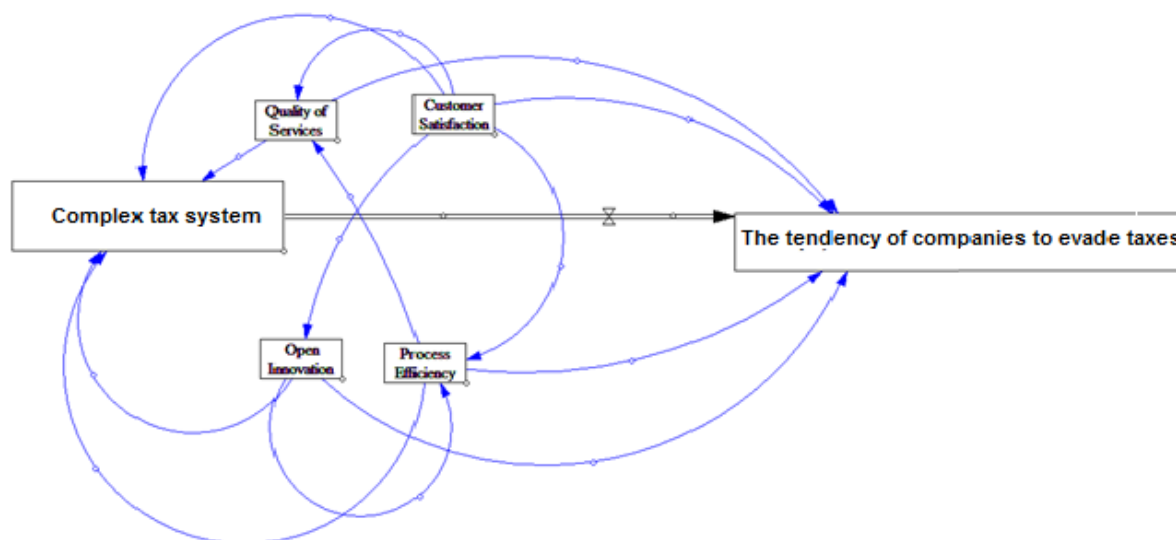
این تحقیق با رویکردی جامع و سیستماتیک به گردآوری داده‌ها پرداخته است که از منابع معتبر و متنوعی بهره می‌برد. داده‌های اصلی این پژوهش از دو پایگاه معتبر بانک جهانی، یعنی (WBES) Enterprise Survey و (WBDB) Business گردآوری شده‌اند. داده‌های مرتبط با پاسخ شرکت‌ها به سؤالات مربوط به پایداری مالیاتی را ارائه می‌دهد و WBDB اطلاعات مرتبط با پیچیدگی سیستم مالیاتی، از جمله زمان و تعداد پرداخت‌های مالیاتی را فراهم می‌کند.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل مراحل زیر بوده است:

۱. انتخاب نمونه: داده‌های مرتبط با بیش از ۴۶,۰۰۰ شرکت در ۸۳ کشور مختلف انتخاب شده است تا بتوان تصویر جامعی از ابعاد بین‌المللی مسئله ارائه کرد.
 ۲. تعریف متغیرها: متغیرهای مورد بررسی شامل پیچیدگی قوانین مالیاتی (زمان و تعداد پرداخت‌ها) به عنوان متغیر مستقل و تمایل به فرار مالیاتی (از طریق نسبت مالیاتی و متغیر دودویی) به عنوان متغیر وابسته هستند.
 ۳. استفاده از منابع ثانویه: متغیرهای کنترل شامل داده‌های کلان اقتصادی، نظیر رشد اقتصادی، تورم و شاخص‌های حکمرانی از منابع بانک جهانی و داده‌های نهادی مرتبط استخراج شده‌اند.
 ۴. گردآوری پاسخ‌ها: داده‌ها از طریق نظرسنجی شرکت‌ها و ثبت مستقیم اطلاعات توسط بانک جهانی، با رویکردی استاندارد و مطابق با الزامات علمی جمع‌آوری شده‌اند.
- در مجموع، ترکیب داده‌های گسترده، ابزارهای استاندارد و رویکردهای علمی دقیق، امکان تحلیل دقیق و معتبر را فراهم کرده است. اگر بخش خاصی از روش گردآوری نیاز به جزئیات بیشتری دارد.
- جامعه آماری این تحقیق شامل شرکت‌ها در سراسر کشورهای جهان است که اطلاعات مرتبط با عملکرد مالیاتی و پیچیدگی سیستم مالیاتی آن‌ها در پایگاه‌های داده بانک جهانی، شامل نظرسنجی‌های شرکت‌ها (WBES) و پایگاه داده "کسب و کار" (WBDB)، ثبت شده است. این جامعه آماری گسترده به صورت جهانی طراحی شده تا تحلیل در سطح بین‌المللی انجام شود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت هدفمند و سیستماتیک انتخاب شده است. داده‌ها از ۸۳ کشور با سطوح مختلف درآمدی، نهادی و منطقه‌ای گردآوری شده‌اند تا تنوع و قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد. به منظور اطمینان از پوشش جامع، داده‌های مرتبط با بیش از ۴۶,۰۰۰ شرکت در این بررسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این حجم نمونه گسترده، امکان تجزیه و تحلیل دقیق رفتار مالیاتی شرکت‌ها را در بافت‌های مختلف اقتصادی و نهادی فراهم می‌کند. این رویکرد جامع به محققان این فرصت را می‌دهد تا به بینش‌های عمیق‌تری درباره تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها در مقیاس جهانی دست یابند.
- در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی رابطه میان پیچیدگی سیستم مالیاتی و تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی، از نرم‌افزار **ونسیم** استفاده خواهد شد. این نرم‌افزار امکان مدل‌سازی پویا^{۲۰} را فراهم می‌کند و می‌توان از آن برای شبیه‌سازی تعاملات بین متغیرها و تحلیل رفتار سیستم در طول زمان بهره گرفت.
- مراحل تجزیه و تحلیل به شرح زیر است:

²⁰ Dynamic Systems Modeling

۱. **طراحی مدل مفهومی:** بر اساس فرضیات پژوهش، متغیرهای کلیدی (مانند پیچیدگی قوانین مالیاتی به عنوان متغیر مستقل و تمایل به فرار مالیاتی به عنوان متغیر وابسته) به همراه متغیرهای میانجی مانند هزینه های مالیاتی و انگیزه های شرکت ها در مدل پویا تعریف می شوند.
 ۲. **رسم دیاگرام های علی^{۲۱}:** این دیاگرام ها برای نشان دادن روابط علی میان متغیرها طراحی می شوند و به درک ساختار سیستم کمک می کنند.
 ۳. **ایجاد مدل شبیه سازی:** با استفاده از ابزارهای ونسیم، متغیرها و معادلات مربوطه وارد شده و مدل برای شبیه سازی رفتار سیستم در شرایط مختلف تنظیم می شود.
 ۴. **شبیه سازی سناریوها:** با تغییر متغیرهای مدل، مانند میزان پیچیدگی قوانین مالیاتی یا نرخ رشد اقتصادی، سناریوهای مختلف شبیه سازی می شوند تا تاثیر این تغییرات بر تمایل به فرار مالیاتی بررسی شود.
 ۵. **تحلیل نتایج:** نتایج شبیه سازی به صورت نمودارهای زمانی و روندها تحلیل می شود تا تاثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر رفتارهای مالیاتی شرکت ها در طول زمان مشخص شود.
 ۶. **ارزیابی حساسیت:** برای اطمینان از پایداری نتایج، حساسیت مدل نسبت به تغییرات کوچک در مقادیر ورودی بررسی می شود.
- با استفاده از ونسیم، می توان تصویری جامع تر از تأثیرات متقابل میان متغیرها ارائه داد و راهکارهای کارآمدتری برای کاهش انگیزه های فرار مالیاتی پیشنهاد کرد.
- ۶- یافته ها**



نمودار ۱: حلقه ی علی برای معیارهای پژوهش

این نمودار نمایانگر یک سیستم پیچیده و چندجانبه است که به طور بصری نشان می دهد چگونه هر یک از عناصر ذکر شده با هم در ارتباط هستند و چگونه در تاثیر معیارها با رویکرد پویایی سیستم نقش دارند.

²¹ Causal Loop Diagrams

این پژوهش ارتباط میان پیچیدگی سیستم مالیاتی، هزینه‌های مالیاتی، انگیزه فرار مالیاتی و رفتار شرکت‌ها را بررسی می‌کند. یافته‌های اصلی به صورت زیر خلاصه می‌شوند:

پیچیدگی قوانین مالیاتی، از جمله زمان و تعداد پرداخت‌های مالیاتی، یکی از عوامل کلیدی در افزایش هزینه‌های مالیاتی و تغییر رفتار شرکت‌ها محسوب می‌شود. با افزایش پیچیدگی، هزینه‌های مالیاتی افزایش یافته و انگیزه فرار مالیاتی تقویت می‌شود. در نتیجه، شرکت‌هایی که با یک سیستم مالیاتی دشوار مواجه هستند، به دنبال راهکارهایی برای کاهش بار مالیاتی خود بوده و در مواردی اقدام به فرار مالیاتی می‌کنند.

داده‌های به دست آمده و مدل محاسباتی

تحلیل داده‌های ۴۶,۰۰۰ شرکت از ۸۳ کشور نشان می‌دهد که:

پیچیدگی مالیاتی: (۷۰ از ۱۰۰)

هزینه‌های مالیاتی: (۱۰۰ پس از اعمال پیچیدگی)

انگیزه فرار مالیاتی: (۹۹ پس از اعمال پیچیدگی)

تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی: (۶۶,۱۴ پس از اعمال پیچیدگی)

فرمول‌های محاسباتی پژوهش تأیید می‌کنند که افزایش پیچیدگی سیستم مالیاتی، هزینه‌های مالیاتی را افزایش داده و در نهایت تمایل به فرار مالیاتی را تقویت می‌کند.

این نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم پیچیدگی مالیاتی بر افزایش هزینه‌های مالیاتی، تحریک انگیزه‌های فرار مالیاتی و تأثیرگذاری بر رفتار مالیاتی شرکت‌ها در سراسر کشورها است. یافته‌های این پژوهش می‌توانند به سیاست‌گذاران کمک کنند تا استراتژی‌های بهتری برای ساده‌سازی قوانین مالیاتی و کاهش موارد فرار مالیاتی طراحی کنند.

۷- بررسی فرضیات تحقیق

این پژوهش به بررسی تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی پرداخته و مجموعه‌ای از فرضیات را برای تحلیل این رابطه تدوین کرده است.

فرضیه اصلی: سیستم مالیاتی پیچیده بر تمایل شرکت‌ها به فرار مالیاتی در سراسر کشورها تأثیر دارد.

- تحلیل: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افزایش پیچیدگی مالیاتی موجب افزایش هزینه‌های مالیاتی و کاهش شفافیت مالی شده و در نهایت انگیزه فرار مالیاتی را تقویت می‌کند.

فرضیات فرعی

۱- پیچیدگی قوانین مالیاتی بر افزایش هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها تأثیر دارد.

- تحلیل: داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که افزایش زمان موردنیاز برای پرداخت مالیات و تعداد پرداخت‌های مالیاتی، هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها را افزایش داده و فشار بیشتری بر آن‌ها وارد می‌کند.

۲- پیچیدگی قوانین مالیاتی بر تشویق به فرار مالیاتی تأثیر دارد.

- تحلیل: پیچیدگی قوانین مالیاتی فرصت‌های بیشتری را برای فرار مالیاتی ایجاد می‌کند، زیرا شرکت‌ها به دنبال راه‌هایی برای کاهش بار مالیاتی خود خواهند بود.

۳- پیچیدگی قوانین مالیاتی بر انگیزه فرار مالیاتی شرکت‌ها تأثیر دارد.

- تحلیل: افزایش پیچیدگی مالیاتی باعث کاهش اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و افزایش رفتارهای مالیاتی غیرقانونی می شود که خود انگیزه فرار مالیاتی را تقویت می کند.

جمع بندی بررسی فرضیات

تمامی فرضیات تحقیق به لحاظ نظری و عملی با داده های تجربی و مطالعات پیشین همخوانی دارند. پیچیدگی نظام مالیاتی، نه تنها هزینه های مالیاتی شرکت ها را افزایش می دهد، بلکه باعث ایجاد فرصت های بیشتر برای فرار مالیاتی شده و انگیزه های فرار را تقویت می کند. این نتایج تأکید می کنند که سیاست گذاران باید به کاهش پیچیدگی های مالیاتی پرداخته و استراتژی هایی برای افزایش شفافیت مالیاتی تدوین کنند.

۸- نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که پیچیدگی سیستم مالیاتی تأثیر قابل توجهی بر افزایش هزینه های مالیاتی، تحریک انگیزه های فرار مالیاتی و تغییر رفتار شرکت ها دارد. بررسی داده های ۴۶، ۰۰۰ شرکت در ۸۳ کشور بیانگر آن است که سیستم مالیاتی پیچیده باعث کاهش شفافیت، افزایش بار مالیاتی و ایجاد فرصت های فرار مالیاتی می شود. در نتیجه، شرکت ها تلاش می کنند با استفاده از روش های قانونی و غیرقانونی بار مالیاتی خود را کاهش دهند.

اگرچه برخی مطالعات پیشین تأثیر پیچیدگی مالیاتی را بر رفتار شرکت ها تأیید کرده اند، اختلاف نظرهایی در مورد میزان و شدت تأثیر این عامل بر فرار مالیاتی وجود دارد. برخی پژوهش ها بیان می کنند که سیستم های مالیاتی شفاف و ساده منجر به رعایت بهتر قوانین می شوند، در حالی که برخی دیگر نشان داده اند که افزایش سخت گیری مالیاتی می تواند محرک فرار مالیاتی باشد. در این پژوهش، یافته ها تأیید می کنند که پیچیدگی مالیاتی از دو مسیر باعث افزایش فرار مالیاتی می شود: افزایش هزینه های مالیاتی و کاهش اعتماد به نظام مالیاتی.

از دیدگاه سیاست گذاری، نتایج این تحقیق نشان می دهد که بهینه سازی قوانین مالیاتی و ساده سازی فرآیندهای پرداخت مالیات می تواند نقش مهمی در کاهش فرار مالیاتی داشته باشد. شرکت ها زمانی به رعایت مالیاتی پایبند خواهند بود که مقررات مالیاتی واضح، نظارت مؤثر و هزینه های مالیاتی قابل پیش بینی باشد. از سوی دیگر، کشورهایی که دارای قوانین مالیاتی پیچیده و غیرشفاف هستند، با نرخ های بالاتر فرار مالیاتی مواجه خواهند شد.

در نهایت، این پژوهش بر ضرورت اصلاح ساختار مالیاتی در سطح بین المللی تأکید دارد تا میزان رعایت مالیاتی افزایش یابد، فرصت های فرار مالیاتی کاهش پیدا کند و اعتماد به نظام مالیاتی بهبود یابد. یافته های این مطالعه می تواند مبنای تحقیقات آینده در حوزه بهینه سازی سیاست های مالیاتی، افزایش شفافیت و ایجاد انگیزه برای رعایت قوانین مالیاتی باشد.

۹- محدودیت ها و تحقیقات بیشتر

علیرغم جامعیت این مطالعه در بررسی تأثیر پیچیدگی سیستم مالیاتی بر فرار مالیاتی شرکت ها، برخی محدودیت ها وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند:

دسترسی محدود به داده های مالیاتی دقیق: برخی کشورها اطلاعات کامل و شفاف از میزان فرار مالیاتی شرکت ها ارائه نمی دهند که می تواند بر دقت تحلیل ها تأثیر بگذارد.

تأثیر عوامل فرهنگی و نهادی: این پژوهش بیشتر بر عوامل اقتصادی و ساختاری تمرکز دارد و ممکن است تأثیر فرهنگ مالیاتی و سطح اعتماد عمومی به دولت را به طور کامل پوشش نداده باشد.

عدم بررسی رفتارهای انفرادی مدیران و مالکان: تصمیمات فرار مالیاتی می‌توانند تحت تأثیر شخصیت مدیران، میزان ریسک‌پذیری و نگرش آن‌ها به قوانین مالیاتی باشند که نیازمند مطالعات کیفی دقیق‌تر است.

تمرکز بر داده‌های سطح شرکت: در حالی که این پژوهش رفتار مالیاتی شرکت‌ها را بررسی می‌کند، تحلیل رفتار مالیاتی افراد و کسب‌وکارهای کوچک می‌تواند تصویر کامل‌تری از فرار مالیاتی ارائه دهد.

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی جنبه‌های زیر بپردازند:

تحلیل مقایسه‌ای میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه: بررسی تأثیر سیستم‌های مالیاتی مختلف بر میزان فرار مالیاتی در کشورهایی با ساختارهای اقتصادی متفاوت.

بررسی نقش فناوری‌های مالیاتی در کاهش فرار مالیاتی: مطالعه تأثیر استفاده از سیستم‌های دیجیتال مالیاتی، هوش مصنوعی و بلاکچین بر افزایش شفافیت و کاهش فرار مالیاتی.

تأثیر عوامل روانشناختی و اجتماعی بر رفتار مالیاتی شرکت‌ها: تحلیل رابطه میان اعتماد عمومی به دولت، سطح فساد اداری و میزان رعایت مالیاتی.

مدل‌سازی سیاست‌های مالیاتی بهینه: بررسی راهکارهای مؤثر برای طراحی قوانین مالیاتی شفاف‌تر که منجر به کاهش انگیزه‌های فرار مالیاتی شود.

بررسی تعامل میان حسابداران و مشاوران مالیاتی در فرار مالیاتی: نقش مشاوران مالیاتی در راهنمایی شرکت‌ها برای اجتناب یا کاهش بار مالیاتی و پیامدهای این تعامل بر رعایت مالیاتی.

منابع و مأخذ

- خلفی، سپیده و الماسی، علیرضا، ۱۴۰۲، نقش حسابداران در فرار مالیاتی و دو دفتره شدن حسابداری شرکت ها، شانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و بانکداری، شانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و بانکداری.
- ایزدی لای بیدی، راضیه، ۱۴۰۲، بررسی روش های فرار و اجتناب مالیاتی شرکت ها و قوانین و مقررات مربوط به آن، فصلنامه پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، دوره: ۶، شماره: ۶.
- کمی، بهروز، ۱۴۰۲، بررسی بین ساختار سرمایه شرکت ها و فرار مالیاتی، هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران، تهران.
- پایدارمنش، نوید و مهرآذین، علیرضا و عباس زاده، محمد رضا و مسیح آبادی، ابوالقاسم، ۱۴۰۱، کنش انگیزه و فرصت برنامه ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت ها، فصلنامه دانش حسابداری مالی، دوره: ۹، شماره: ۲.
- بیگی، جواد و رحیمی، موسی و کشاورز، سیروس، ۱۴۰۱، بررسی عوامل تاثیر گذار (نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم) بر فرار مالیاتی، سومین کنفرانس ملی مدیریت بازرگانی، کارآفرینی و حسابداری ایران، تهران
- Saptono, Prianto Budi, Gustofan Mahmud, Fauzilah Salleh, Intan Pratiwi, Dwi Purwanto, and Ismail Khozen. 2024. Tax Complexity and Firm Tax Evasion: A Cross-Country Investigation, *Economies* 12: 97, <https://doi.org/10.3390/economies12050097>.
- Alfaro, Laura, Alan Auerbach, Mauricio Cárdenas, Takatoshi Ito, Sebnem Kalemli-Özcan, and Justin Sandefur. 2021. Doing Business: External Panel Review: Final Report. Washington, DC: World Bank.
- Barrios, Salvador, Diego d'Andria, and Maria Gesualdo. 2020. Reducing tax compliance costs through corporate tax base harmonization in the European Union. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 41: 100355.
- Bergolo, Marcelo, Rodrigo Ceni, Guillermo Cruces, Matias Giacobasso, and Ricardo Perez-Truglia. 2023. Tax audits as scarecrows: Evidence from a large-scale field experiment. *American Economic Journal: Economic Policy* 15: 110–53.
- Berkel, Hanna, Christian Estmann, and John Rand. 2022. Local governance quality and law compliance: The case of Mozambican firms, *World Development* 157: 105942.
- Blesse, Sebastian. 2023. Do your tax problems make tax evasion seem more justifiable? Evidence from a survey experiment. *European Journal of Political Economy* 78: 102365.
- Allam, Amir, Tantawy Moussa, Mona Abdelhady, and Ahmed Yamen. 2023. National culture and tax evasion: The role of the institutional environment quality. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 52: 100559.
- Calford, Evan M., and Gregory DeAngelo. 2023. Ambiguity and enforcement. *Experimental Economics* 26: 304–38.
- Andrejovská, A.; Glova, J. Macroeconomic Determinants of Effective Corporate Tax Rates: The Case of the Slovak Republic. *Int. J. Financial Stud.* **2025**, *13*, 10. <https://doi.org/10.3390/ijfs13010010>.
- Jesus, F.; Amorim, J.; Cepeda, C. Corporate Income Taxation Dynamics: A Comparative Analysis of Portugal, Germany, Belgium, The Netherlands, and Luxembourg. *J. Risk Financial Manag.* **2024**, *17*, 251. <https://doi.org/10.3390/jrfm17060251>.
- Paleka, H.; Vitezić, V. Tax Compliance Challenge through Taxpayers' Typology. *Economies* **2023**, *11*, 219. <https://doi.org/10.3390/economies11090219>.

- Surugiu, M.-R.; Vasile, V.; Surugiu, C.; Mazilescu, C.R.; Panait, M.-C.; Bunduchi, E. Tax Compliance Pattern Analysis: A Survey-Based Approach. *Int. J. Financial Stud.* **2025**, *13*, 14. <https://doi.org/10.3390/ijfs13010014>.
- Tonetto, J.L.; Pique, J.M.; Fochezatto, A.; Rapetti, C. Tax Evasion and Company Survival: A Brazilian Case Study. *Economies* **2024**, *12*, 286. <https://doi.org/10.3390/economies12110286>.
- Slemrod, Joel. 2019. Tax compliance and enforcement. *Journal of Economic Literature* 57: 904–54.
- Tanzi, Vito. 2018. Corruption, complexity and tax evasion. *Ekonomicheskaya Politika/Economic Policy* 13: 36–53
- Kirchler, Erich, Erik Hoelzl, and Ingrid Wahl. 2008. Enforced versus voluntary tax compliance: The “slippery slope” framework. *Journal of Economic Psychology* 29: 210–25.
- Frecknall-Hughes, Jane, Katharina Gangl, Eva Hofmann, Barbara Hartl, and Erich Kirchler. 2023. The influence of tax authorities on the employment of tax practitioners: Empirical evidence from a survey and interview study. *Journal of Economic Psychology* 97:102629.
- Bellemare, Charles, Marvin Deversi, and Florian Englmaier. 2019. Complexity and Distributive Fairness Interact in Affecting Compliance Behavior. CESifo Working Paper 7899. Munich: CESifo.
- Kaulu, Byrne. 2022. Determinants of tax evasion intention using the theory of planned behavior and the mediation role of taxpayer egoism. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences* 15: 63–87.
- Blesse, Sebastian. 2023. Do your tax problems make tax evasion seem more justifiable? Evidence from a survey experiment. *European Journal of Political Economy* 78: 102365.

Abstract

This study examines the impact of tax system complexity on corporate tax evasion tendencies at the international level. To achieve this, data from over 46,000 companies across 83 countries, sourced from the World Bank databases (WBES and WBDB), were analyzed. The findings indicate that increasing tax complexity, including longer time requirements for tax payments and a higher number of tax payments, has a significant effect on raising tax costs. This increase in financial burden not only pressures corporations but also reduces tax system transparency, thereby strengthening corporate tax evasion incentives. These effects are particularly pronounced in low- and lower-middle-income countries and primary industries, highlighting the necessity of tax structure reforms in these regions. Additionally, the study demonstrates that tax evasion occurs through two primary mechanisms: first, diminished public trust in the tax system, which lowers voluntary tax compliance, and second, weakened enforcement of tax regulations, which exacerbates tax evasion instances. Data analysis was conducted using dynamic modeling through the Vensim software, enabling a detailed examination of interactions among variables. Based on these insights, policymakers are encouraged to optimize tax regulations and simplify tax processes to enhance tax compliance and reduce tax evasion opportunities. The findings of this study can serve as a foundation for future tax policy design, aiming to improve transparency and public trust in tax systems.

Keywords

Tax complexity, Tax evasion, Tax regulations, Corporations, Tax costs, Econometric analysis
